



کامل‌ترین تجلی حقیقت هدایت، در قرآن بیان شده است

استادیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی گفت: حقیقت هدایت، نوری است که متناسب با ویژگی‌های شخصی پیامبران در کتب آسمانی تجلی یافته است.

استادیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی گفت: حقیقت هدایت، نوری است که متناسب با ویژگی‌های شخصی پیامبران در کتب آسمانی تجلی یافته است.

کامل‌ترین تجلی حقیقت هدایت، در قرآن بیان شده است. به گزارش اینکنا از خراسان رضوی، علیرضا آزاد استادیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی، شامگاه گذشته، ۱۵ اسفندماه، در برنامه ویناری با عنوان تفسیر کاربردی قرآن کریم، با اشاره به تقریرهای مختلف در مورد حقیقت هدایت، در خصوص «لوح محفوظ» و «ام‌الکتاب» اظهار کرد: بنا بر تقریری که ما از واژه کتاب داشتیم، «ام‌الکتاب» به معنای مادر کتاب‌ها، منشأ، مخزن، اساس و محل جمع معنای کتاب‌های آسمانی است. علامه طباطبایی(ره) در خصوص آیات زخرف مطلبی را بیان می‌کنند که به آیه دوم سوره لقمان بسیار نزدیک است. در آیه دوم سوره لقمان بیان شده است «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» و در آیه چهار سوره زخرف نیز این گونه بیان می‌شود که «وَآتَتْ فِي أَمْرِ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ»؛ بنابراین در هر دو آیه کلمات «حکیم» و «کتاب» به کار رفته است.

وی ادامه داد: علامه طباطبایی(ره) می‌فرمایند: «نام گذاری «لوح محفوظ» به «ام‌الکتاب» به این دلیل بوده که سرمنشأ همه کتب آسمانی است و منظور از حکیم بودن قرآن این است که قرآن در جایگاه اولی و اصلی خود در ام‌الکتاب، تفصیل و تقسیمی به سوره، آیه و کلمات نداشته و این تفصیل پس از آن که قرآن به صورت قرآن عربی درآمده، انجام شده است.»

تأویل قرآن، رسیدن به حقیقت قرآن

استادیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی بیان کرد: علامه طباطبایی(ره) در تفسیر آیه هفت سوره آل‌عمران به صورت مفصل در مورد «تأویل» تعبیرات عجیبی را بیان می‌کنند. ایشان می‌گویند: «تأویل قرآن، رسیدن به حقیقت قرآن در لوح محفوظ است که نه از سنخ لفظ و نه از سنخ معنا است.» ما همواره بیان می‌کنیم که با گذر از لفظ به معنا می‌رسیم، اما علامه(ره) می‌فرمایند: «حقیقت قرآن نه لفظ است و نه معنا» و زمانی که مقوله مادر، صداقت، محبت و... بیان می‌شود، مفهومی در ذهن ایجاد می‌شود، اما این سؤال ایجاد می‌شود که آیا آنچه در ذهن شکل می‌گیرد، لفظ دارد؟ در واقع آن را با لفظ بیان می‌کنیم، اما آنچه در ذهن به وجود می‌آید از جنس لفظ نیست.

آزاد خاطر نشان کرد: علامه طباطبایی(ره) بیان می‌کند که حقیقت قرآن در ام‌الکتاب چنان نوری است که این نور و حقیقت هدایت در لوح محفوظ و در ام‌الکتاب وجود دارد؛ این حقیقت لفظ نیست، اعراب ندارد، سوره و آیه نبوده و قابل تجزیه به اجزا هم نیست، بلکه حقیقتی بسیطه است. این حقیقت هدایت به موسی تأیید و تورات شد، به عیسی تأیید و در انجیل تجلی یافت و به محمد مصطفی(ص) تأیید و قرآن شد، این حقیقت همانند نوری است که به منشورهای مختلفی می‌تابد و به تناسب ابعاد و تراش منشور، زاویه تابش این نور به منشور و شفافیت منشور، نور متفاوتی ایجاد می‌کند.

وی عنوان کرد: به دلیل آن که پیامبر خاتم(ص)، انسان کامل است، به این ترتیب منشور ایشان نیز شفاف‌ترین منشور محسوب می‌شود، بنابراین این نور ازلی و ابدی در این منشور تجلی اعظم پیدا کرده است. تجلی اعظم نور ام‌الکتاب که مادر همه کتاب‌های آسمانی و محل جمع قوانین الهی و کائنات است، در منشور وجود پیامبر خاتم(ص) قرآن را به وجود می‌آورد، اگر چنین برداشتی از ماهیت قرآن داشته باشیم، نوع نگاهمان به قرآن تغییر پیدا خواهد کرد.

استادیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی افزود: از جمله تبعات و لوازم پذیرش این دیدگاه و نگرش این است که ویژگی‌های شخصی یک پیامبر در چگونگی دریافت حقیقت نقش آفرین است، همانطور که ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مردم و قوم هر پیامبر(ص) در زمان نزول آیات و بعثت ایشان سنجیده می‌شده است، به همین نسبت نور ملکوتی لوح محفوظ و حقیقت هدایت الهی نیز با ویژگی‌های پیامبری که آن را دریافت می‌کند، متناسب است.

آزاد تصریح کرد: عمده رویکردی که عارفان نسبت به قرآن دارند و آنچه علامه طباطبایی(ره) در ذیل آیه چهار سوره زخرف و آیه هفت سوره آل‌عمران در خصوص حقیقت قرآن و تأویل بیان می‌کند، چنین برداشت عارفانه‌ای است. امام خمینی(ره) نیز در جمله معروفی در این خصوص بیان کرده‌اند: «جبرئیل را نیز پیامبر نازل می‌کرد» و این حقیقت قرآن و این نوع نگرش به قرآن، راه را برای تفسیرهای عصری، کاربردی و امروزی از قرآن باز می‌کند که ماهیت قرآن جزء قدیمی‌ترین مباحثی است که در زمینه عقاید

وی اضافه کرد: شهاب الدین سهروردی مجموعه وصیت نامه ای به فرزند خود نوشته است که در آن این جمله را بیان می کند، قرآن را چنان بخوان که گویی بر خود تو نازل می شود. چنین رویکردهایی به قرآن در دیدگاه ابن عربی و بسیاری از عرفا موج می زند. بیان این دیدگاه ها الزاماً به معنی قبول آن ها نیست؛ اما تقریری متفاوت از تقریرهای مرسوم را بیان می کنیم که در سنت عرفانی ما سابقه دارد و این سنت عرفانی بسیار کاربردی است و زمینه را برای کاربردی کردن قرآن ایجاد می کند. اخلاص زمینه ساز کشف حکمت در انسان ها است

استادیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی گفت: علامه طباطبایی(ره) «حکیم» را به معنای تجزی ناپذیری بیان می کند، به این معنا که این حقیقت جزء نداشته و بسیط است، اما برخی بیان می کنند حکیم به این معنی است که در آن باطل راه ندارد، نکته ای که در این خصوص می توان بیان کرد این است که «لهوالحدیث» آیه ۶ سوره لقمان در برابر کتاب حکیم آیه دو بیان شده است، این موضوع نشانگر بیان موضوعات محتوایی در این سوره است و مباحث فقهی در این سوره وجود ندارد و به تعبیری این آیه عقاید انسان را بیان می کند.

آزاد با بیان اینکه حکیم صفت خدا و صفت کلام خداست، تصریح کرد: نتیجه سخن و کتاب حکیمانه، حکمت خواهد بود و چنانچه کتاب، که می توان از آن به عنوان ورودی نام برد، حکیمانه نباشد، در انسان نیز حکمت شکل نخواهد گرفت، روایت «هرکس چهل شبانه روز خود را برای خدا خالص کند و تصمیم بگیرد در این چهل روز نیات او در هر کاری خالصانه برای خدا باشد، خداوند چشمه های حکمت را از قلب او بر زبانش جاری می کند.» نیز در این خصوص بیان می کند که حکمت در دل مؤمن و انسان ها وجود دارد، اما برخی عوامل مانع جوشش این چشمه ها به سوی زبان، عقل، چشم، گوش، دست و... می شود که اخلاص در راه خدا این موانع را برمی دارد، به عبارتی حکمت در انسان ها به وجود نمی آید، بلکه کشف می شود، در بسیاری از آیات نیز دو واژه «کتاب» و «حکمت» در کنار یکدیگر آمده اند، در برخی از آیات قرآن کتاب بر حکمت مقدم شده و در برخی دیگر حکمت بر کتاب مقدم شمرده می شود.